

**«با اتحاد پیروز میشویم، با افتراق شکست میخوریم»**

**بازداشتی های مراسم روز جهانی کارگر آزاد باید گردند**

- اخبار و گزارشات کارگری هفتگی در همبستگی با کارگران کارخانه هپکو و حمایت از خواسته های برحقشان

- از چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای بازگشت بکار همکارانشان چه خبر؟

1- گزارش 4مهر کانال تلگرام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه:

2- بخش هایی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 3مهر تحت عنوان «کارگران هفت تپه از نبود امنیت شغلی می گویند»

- اعتصاب کارگران فاز 20 - 21 عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت 4ماه حقوق وحق بیمه

پلیس امنیت دست در دست کارفرما در راستای سرکوب کارگران معترض

- طرفد کارفرمای کارخانه سیمان کارون برای پرداخت بدهی میلیاردی شرکت با چک کارگر؟

- اعتراض اهالی روستای بیدانجیر از توابع چرام نسبت به مشکلات آب آشامیدنی، جاده ارتباطی و...

با جلوگیری از حضور دانش آموزان سر کلاس درس

- زنده زنده سوختن کودک 3 ساله یک کارگر فصلی در حادثه آتش سوزی چادرمسکونیشان

**\*اخبار و گزارشات کارگری هفتگی در همبستگی با کارگران کارخانه هپکو و حمایت از خواسته های برحقشان**

اخبار و گزارشات کارگری - شنبه ۲۳ الی جمعه ۳۰ شهریورماه ۱۳۹۸

هفته ای که گذشت مبارزات کارگران کارخانه هپکو اراک و حمله گارد ویژه ضد شورش و نیروهای انتظامی به تجمعشان زیر پل بختیاری شهر اراک در مسیر ریل راه آهن شمال - جنوب و مورد ضرب و شتم قراردادن کارگران و زخمی کردن تعدادی از آنها و بازداشت ۲۹ نفرشان در صدر اخبار قرار داشت و بازتاب وسیعی در جامعه داشت. برنامه این هفته ما به اعتراضات کارگران کارخانه هپکو اختصاص داده شده تا ضمن محکومیت حمله به آنها بدین طریق همبستگی مان را با هپکویی ها و خواسته های برحقشان اعلام کنیم.

دور جدید اعتراض هپکویی ها نسبت به عدم تعیین تکلیف نهایی با سهامدار عمده شرکت و عدم پرداخت حقوقشان با تجمع در این واحد صنعتی روز یکشنبه ۲۴ شهریورماه آغاز شد.

روز دوشنبه ۲۵ شهریور، کارگران خشمگین کارخانه هپکو اراک در دومین روز ازدور جدید اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی برای انعکاس هرچه بیشتر صدای حق طلبانه شان با تجمع زیر پل بختیاری مسیر ریل راه آهن شمال - جنوب را مسدود کردند.

پس از گذشت چند ساعت از تجمع، سید علی آقازاده استاندار استان مرکزی و محسن کریمی فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی با همراهی تتی چند از سردمداران نیروهای امنیتی و انتظامی استان مرکزی در جمع کارگران حاضر شدند. استاندار استان مرکزی و فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی با ایراد سخنرانی ضمن دادن وعده و وعید با تهدید کارگران از آنها خواستند به تجمعشان خاتمه دهند.

کارگران کارخانه هپکو که گوششان از این وعده و وعیدها پر و کارد به استخوانشان رسیده است علیرغم وعده وعیدها و تهدیدها به تجمعشان برای دست یابی به مطالباتشان برحقشان ادامه دادند که مورد غضب مسئولان طراز اول امنیتی، دولتی، قضایی و انتظامی قرار گرفتند و فرمان حمله را به کارگران صادر کردند و بدنبالش گارد ویژه ضد شورش و نیروهای انتظامی با پرتاب گاز اشک آور و باتوم بجان کارگران بی دفاع افتادند و تعدادیشان را زخمی و روانه بیمارستان و حدود ۲۹ نفرشان را بازداشت کردند.

علیرغم این حمله وحشیانه هپکویی ها ساکت نشدند و روز سه شنبه ۲۶ شهریور به تجمعشان در این واحد تولیدی در راه احقاق حقوق برحقشان ادامه دادند.

هپکویی ها همکاران بازداشتیشان را تنها نگذاشتند و روزهای چهارشنبه و پنجشنبه برای آزادیشان مقابل زندان مرکزی اراک تجمع کردند. طی این دوروز ۲۱ نفر از کارگران حق طلب هپکو با قید کفالت و سند از زندان مرکزی اراک آزاد شدند و ۸ نفرشان کماکان در بازداشت بسر می برند و بنا بر آخرین اطلاعات تا لحظه تنظیم این گزارش خبری هم از آزادیشان در میان نیامد و معلوم نیست دوره بازداشتشان تا کی بسر خواهد رسید.

کارگران کارخانه هپکو با تجمعات اعتراضی و راهپیمایشان در سطح شهر اراک فقط در خلال یک هفته پته چهره سازی در قوه قضائیه را روی آب انداختند و با برکنار زدن ماسک از چهره مدافعین دروغین کارگران نقشه شومشان را برای بیراهه کشاندن مبارزات کارگران و بهره گیری تبلیغاتی و انتخاباتی را برملا کردند و توخالی بودن شعارهایشان مبنی بر حمایت از کارگران را به جامعه نمایان ساختند.

هپکویی همچون هم طبقه ای هایشان آذرابی ها، کنتورسازها، فولادی ها، هفت تپه ای ها و ..... مشت محکمی بر دهان یاوه‌گویانی کوبیدند که چندی پیش کارگران را اخلاگران تولید قلمداد کردند. این کارگران با اعتراضات دامنه دار چند ساله شان نشان دادند که آنهایی که با و ارادت بی در و پیکر و تحت حمایت همه جانبه این جناح یا جناح از حاکمیت و آنهایی که هپکو و امثالهم را با چشم داشت به زمینش و ماشین آلتش و نیز بهره گیری از تسهیلات بانکی مفت به چنگ آورده اند، اخلاگران واقعی تولید هستند و این کارگران هستند که با چنگ و دندان از در گردش بودن چرخ کارخانه هایشان دفاع می کنند.

محسن کریمی سردمدار بسیج و فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی به همراه سید علی آقازاده استاندار استان مرکزی نماینده دولت با همراهی تتی چند از مسئولان طراز اول نیروهای امنیتی و انتظامی در جمع کارگران حاضر و آنها را مورد تهدید در صورت ادامه تجمع قرار می دهند و بدنبالش فرمان حمله به کارگران بی دفاع هپکو را صادر می کنند، اما روز جمعه ۲۹ شهریور دانشجویان بسیجی در نماز جمعه در حمایت از کارگران هپکو شعار می دهند و یا ائمه جماعت مساجد اراک، اساتید حوزه علمیه و... برای دلجویی از کارگران هپکو به عیادت کارگران زخمی هپکو میروند تا خاک به چشم کارگران بپاشند و بهره برداری جناحی کنند تا آرای کارگران را در انتخابات پیش رو از دست ندهند. غافل از اینکه قسم حضرت عباسشان کارایی ندارد چون دم خروشان پیشاپیش با اقدام سرکوبگرانه

و ضدکارگری سردمداران بسیج پیشاپیش بر ملا شده است. اما کارگران، تشکل ها و نهادهای مستقل کارگری و فعالین کارگری، اجتماعی و سیاسی هیکویی ها را تنها نگذاشتند و همبستگیشان را با آنها اعلام کردند.

بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۶ شهریور، کارگران کارخانه آذراب اراک با حضور در کارخانه هپکو همبستگیشان را با هیکویی ها بنمایش گذاشتند.

کارگران کارخانه آب با شرکت چند ساعته شان در تجمع کارگران کارخانه هپکو حمایتشان را از اعتراضات کارگران کارخانه هپکو اعلام کردند.

روز چهارشنبه ۲۷ شهریور، کارگران کارخانه واگن سازی پارس اراک نیز، در اعتراض به ضرب و شتم کارگران هپکو و در حمایت از آنان حدود ساعت یک ظهر از محل کارخانه هپکو تا بلوار واگن پارس راهپیمایی کردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کانون مدافعان حقوق کارگر، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و بسیاری از فعالین اجتماعی و سیاسی و روزنامه نگاران، نویسندگان، وکلا و نیز نیروهای سیاسی با صدور اطلاعیه و بیانیه و یا نوشتن مقالاتی در رسانه ها و شبکه های اجتماعی ضمن محکوم کردن حمله به هیکویی ها خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران بازداشتی شدند.

روز دوشنبه خبر درگذشت مادر سعید شیرزاد زندانی سیاسی را شنیدیم. سعید شیرزاد مدت ۵ سال و ۵ ماه است که بدون حتی یکروز مرخصی در زندان بسر میبرد. سعید به علت قطع بودن ارتباطات تا دو روز از مرگ مادرش بی اطلاع بود. مسئولین زندان هم از اجازه مرخصی سعید برای شرکت در مراسم خاکسپاری خودداری نمودند. از طرف دست اندرکاران این برنامه، درگذشت مادر سعید شیرزاد را به او تسلیت میگوئیم.

لینک صوتی و تصویری:

<https://radiopayam.ca/%d8%a7%d8%ae%d8%a8%d8%a7%d8%b1-%d9%88-%da%af%d8%b2%d8%a7%d8%b1%d8%b4%d8%a7%d8%aa-%da%a9%d8%a7%d8%b1%da%af%d8%b1%db%8c-%d8%b4%d9%86%d8%a8%d9%87-%db%b2%db%b3-%d8%ac%d9%85%d8%b9%d9%87-%db%b3/>

**\*از چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای بازگشت بکار همکارانشان چه خبر؟**

روز پنج شنبه ۴مهر برای چهارمین روز متوالی، اعتصاب و تجمع کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای بازگشت بکار همکارانشان ادامه پیدا کرد.

**1- گزارش 4مهر کانال تلگرام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه:**

- امروز یکی از کارگران نیشکر هفت تپه در حمایت از همکاران اخراجی خود صحبت کرد و بطور مستقیم و مشخص به اتحاد همه کارگران برای حمایت و بازگشت به کار ۲۰ نفر از کارگران اخراجی، سخنرانی کرد.

سخنران ابراهیم عباسی منجری می باشد که در حمایت از خانواده بخشی در جلوی دادگاه شوش، به اتفاق چند نفر دیگر از کارگران، بازداشت شده بود که پس از چند جلسه دادگاهی در دادگاه شوش با وکالت خانم فرزانه زیلابی تبرئه شد.

- همانطور که روند تا کنونی نشان داده است در جریان اعتراض و اعتصاب کارگران در هفت تپه، ما شاهد فضای پلیسی برای ارباب و سرکوب کارگران بوده ایم.

در این ارتباط یکی از کارگران هفت تپه به نام یوسف بهمنی، توسط اداره اطلاعات احضار شده است. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، ضمن حمایت از خواست کارگران، هر گونه تهدید، ارباب و احضار کارگران را شدیداً محکوم می کند.

- شکست طرح اعتصاب شکنان

کذب خبر

خبرگزاری ایلنا دیروز اعلام کرده بود که کارگران نیشکر هفت تپه به اعتصاب خود پایان داده اند و کارگران به سر کار های خود بازگشته اند!؟

خبرگزاری ایلنا همچون گذشته نشان داد که هیچ صدقاتی در بازتاب اخباری کارگری ندارد و به دلیل منافع جناحی، نمی تواند ادعای یک منبع خبرگزاری مستقل داشته باشد.

2- بخش هایی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 3مهرتحت عنوان «کارگران هفت تپه از نبود امنیت شغلی می گویند»

«من همیشه آرام بودم، هیچ وقت روی آن سکو نرفته بودم اما دیروز روی سکو داشتم فریاد می کشیدم. (جانشین) قائم مقام شرکت می گفت من به عنوان پدر مجموعه هستم، پدر که نمی تواند همه جریانات را به فرزندانش بگوید. گفتم بنده خدا! ای پدر مجموعه! تو که داری من را می کشی، حق ندارم بدانم چرا؟ بعضی بچه ها می گویند که لیست اخراج باز است و گفته اند شاید بیشتر هم اخراج کنیم.»

این ماجرای نیم روز اولین روز پاییز در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه بود، روزی که دیگر مشخص شد، شرکت برای ۲۰ نفر از کارگران نامه زده و «با عنایت به اتمام قرارداد» از خدمات شان تشکر کرده و «آرزوی موفقیت در سایر واحدهای کاری» را برای آنها از خداوند متعال خواستار شده است. یک نامه کوتاه سه خطی که می شود خلاصه ترش هم کرد: اخراج.

ایستادن روی سکوی سیمانی محوطه کارخانه نیشکر هفت تپه کار معمولی نیست. با قدم زدن در بخش تعمیرات و نشستن زیر سایه درختان پشت دفتر مدیریت فرق دارد. سکو یعنی حرف زدن، خطابه کردن، مطالبه کردن و وقتی اوضاع خراب می شود یعنی داد کشیدن همه آن حرف ها و خطبه ها و مطالبه ها.

روز اول مهر که نامه سه خطی به دستش رسید اولین باری بود که از جمع جدا شد و رفت روی سکو ایستاد تا فریاد بکشد. او یک نفر از آن بیست نفر است که حالا بازگشت شان به کار تبدیل به تازه ترین دغدغه کارگران هفت تپه شده است، چون می دانند که ممکن است نفر بعدی خودشان باشند: «آدم های متفاوتی در این لیست بودند و انگار هدف شان هم کاملا از این نوع تعدیل مشخص نیست. الان شایع شده که اسم ۱۵۰ نفر را آماده دارند که کم کم اعلام می شود. برای همین بقیه هم پشت ما را گرفتند و جمع شدند.»

کارخانه اگر به کارگری هم نیاز نداشته باشد، مراتبی دارد که طی کند، مدیر قسمت ها هستند که معمولا نامه عدم نیاز می زنند یا کمیته انضباطی وارد می شود و جلسه می گذارند و این کارگر می گوید که هیچ یک از این اتفاق ها نیفتاده: «وقتی این روند طی نمی شود یعنی اخراج منطقی نیست. دیگر رفتم به حراست گفتم اگر بعدش هم قرار است پلیس امنیتی، کسی بیاید در خانه من همین الان بگویند که خودم بروم، نکند بیایند جلوی مادرم و خانواده ام حرفی بزنند یا کاری کنند. حالا فعلا دارند ما را شوت می کنند این ور و آن ور و توضیح بیشتری نمی دهند.»

در هفت تپه فصل تعمیرات است و «ریکاوری»، بعد از آن باید نوبت تولید برسد و اخراج های فصل تعمیرات درست در روزهای پیش از آغاز کار ممکن است دوباره زنجیره اعتراض ها و دست از کار کشیدن ها را آغاز کند: «کارگران می گویند اصلا خود اسدیگی ها می خواهند که اعتصاب شود. نمی دانم می خواهند با این کار گروکشی کنند که اگر مدیرعامل در زندان است آزادش کنند یا مساله دیگری است.»

لیست اخراجی ها هر چند به گفته او گلچینی است از آدم های مختلف اما این را هم می گوید که همه شان (کارگران اخراجی)

صراحت بیان دارند.

در میانه همه ماجراهای هفت تپه یکی از موضوعات اساسی همیشگی وجود نماینده منتخب برای پیگیری مطالبات کارگری بود. سندیکایی که سال هاست وجود دارد اما مدت هاست که در عمل دیگر فعالیت خاصی ندارد، تشکل مستقل کارگری که مدت کوتاهی با رای کارگران شکل گرفت و منحل شد و بعد شورای اسلامی کار که حالا برخی کارگران این شرکت می گویند پس از انتشار یک فایل صوتی از جلسه دونفر از اعضای این شورا با معاونان شرکت و به قول آنها «زد و بندهایی که در حال انجام بود» عملا سبب شد تا موضوع تشکل کارگری شرکت همچنان در ابهام بماند و البته کارگران را از انتخاب نماینده مایوس کند: «الان همه تشکل ها از چشم کارگران هفت تپه افتاده اند. هر کسی می آید حرف خودش را می زند. اما خب این خطراتی هم دارد. وقتی می روی روی آن سکو یک جوری انگار حکم نمایندگی بقیه را داری اما وقتی واقعا نماینده کارگران نباشی برخورد با تو هم آسان تر می شود.»

امروز ۲۰ نفر، فردا ۳۰ نفر

خودش می گوید که سندیکا فعالیتی ندارد اما هنوز خودش را با عنوان سندیکایی اش معرفی می کند: فریدون نیکوفرد، عضو سندیکای کارگری هفت تپه. نیکوفرد می گوید که ضربه اخراج برای برخی کارگرانی که می شناسد بسیار گران تمام می شود: «برای کارگران روزمردی که قراردادی شدند،

قراردادهای ۶ ماهه زدند و روز ۳۱ شهریور برای ۲۰ نفر از آنها نامه زدند که دیگر سر کار نیایند و کارت ورود و خروج شان را هم باطل کردند. اما مدیریت هنوز جواب روشنی نداده. من با برخی از آنها صحبت کردم که نه پرونده قضایی داشتند نه حتی در اعتصاب ها فعال بودند. می شد اصلا با نحوه دیگری برخورد کنند؛ نمی دانم توییخ، کمیته انضباطی یا هر کار دیگری نه اینکه یکهو اخراج شان کنند. یک نفر از اینها به من می گفت بدون این کار من اصلا امکان ادامه حیات ندارم. می گفت راهش این است که خودم را بکشم».

نیکوفرد هم معتقد است که این اخراج یک باره که شاید از ترس اعتصاب بوده باشد خودش ممکن است به اعتراض ها دامن بزند: «برای اخراج لااقل یک دلیلی بدهید، فله ای اخراج نکنید. ما اینجا همه طایفه ای هستیم، با هم قوم و خویشیم حتی اگر اخراج به حق هم باشد، اخراج این همه با هم باعث تجمع می شود که همین طور هم شد شرایط هرچه رادیکال تر می شود، از نظر پرونده ای هم سختگیرتر می شوند. هپکو که به دولت برگشت اینجا به این نتیجه رسیده اند، کاری کنند که به سرنوشت مالک هپکو دچار نشوند. برای همین دارند با مخالفان برخورد می کنند اما با این شوکی که وارد کردند به وضع دامن می زنند، برخوردشان با پرسنل بعضا خودش سبب این اعتصاب ها می شود.» کارگران تعدیل شده به اداره کار رفته اند که شاید جوابی بگیرند. او می گوید که جواب ها در چنین مواقعی همه مثل هم هستند: «انجا هم همیشه می گویند قراردادتان تمام شده یا بروید تعهد بدهید یا کارفرما را راضی کنید، یک جواب کلیشه ای که همیشه می دهند.» او هم به همان یک فایل صوتی که از جلسه بین دو نفر از نمایندگان شورای کار هفت تپه با معاونان شرکت پخش شده، اشاره می کند و می گوید: کارگران خواستار انحلال شورا شده اند: «ما الان در واقع نماینده نداریم».

در این وضعیت، حرفی که کارگر اخراجی معترض می گفت نزدیک ترین سناریو به واقعیت است. یک کارخانه نیشکر هفت تپه هست و آن کارخانه یک سکو دارد که در نبودن نمایندگان رسمی کارگری می شود محلی برای بیان مطالبات از زبان هر کارگری که حرفی برای گفتن داشته باشد. حرف هایی که البته هنوز آرام اند، مثل ویدیویی که روز گذشته از سخنرانی یکی از کارگران منتشر شد که روی همان سکو داشت از رییس قوه قضاییه دعوت می کرد که به هفت تپه برود و با چشم خودش اوضاع را ببیند. ویدیو در شبکه یوتیوب منتشر شد و بعد سر از شبکه های اجتماعی درآورد. کارگری رو به همکارانش می گوید: «ان شاءالله با وجود آقای ریسی که قول داده تمام هم و غمش این باشد که با زد و بندهایی که در این مملکت انجام می شود برخورد قاطع و قانونی بکند، بیاید هفت تپه و درددل مردم را گوش کند و به آن رسیدگی کند.» تمام پرونده واگذاری شرکت به بخش خصوصی در این سخنرانی مرور شد تا موضوع رسید به اخراج لیست ۲۰ نفره کارگران: «ما به امثال محمد خنیفر رای دادیم که حق و حقوق ما را پیگیری کند، نمی دانم چرا او را اخراج کردند. این کار طبیعی نیست. از ما خواستند طبق قانون رفتار کنیم در حالی که طرف مقابل ما هیچ احترامی برای قانون قائل نیست. اینکه هر کسی میلی بگوید من از تو خوشم نمی آید، تو داری زیاد حرف می زنی و بعد اخراجش کند، خلاف قانون است و ما جلوی کار خلاف قانون می ایستیم.» و بعد به همکارانش گوشزد می کند: «امروز شروع کردند به اخراج ۲۰ نفر، بعد همین طور ۲۰ نفر و ۱۰ نفر و ۳۰ نفر اخراج می کنند و نان زن و بچه مان را می برند.» این صدا شاید با گذشت زمان بالاتر و بالاتر رود.

**\*اعتصاب کارگران فاز 20 - 21 عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوق وحق بیمه**

**پلیس امنیت دست در دست کارفرما در راستای سرکوب کارگران معترض**

در اوایل شهریور ماه سال جاری، کارگران فاز 20 - 21 عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوق وحق بیمه دست از کارکشیدند.

کار فرما با پشتیبانی پلیس امنیت بجای پرداخت مطالبات کارگران دست به اخراجشان از کار و خوابگاه زدند.

سایت سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران:

نامه ای از یک کارگر پروژه ای!

من عسلویه کار می کنم فاز ۲۰- ۲۱ . حقوقمان ۴ ماه و بیمه هم ۴ ماه عقب افتاده است. دو روز قبل از محرم تصمیم به اعتصاب گرفتیم و اعتصاب کردیم. کارفرما گفت یه هفته مهلت بدهید پولتان را پرداخت می کنیم. ما هم یک هفته مهلت دادیم اما بعد از یک هفته اخراجمان کردند. الان هم در خوابگاه هستیم. یک بار در کمپ بهارستان و در فاز رو بستیم. پلیس امنیت وارد شد و قول داد فردا تا پس فردا پولمان پرداخت بشود. اما امروز آمده و می گوید بروید خانه هایتان وگرنه فردا همه را دستگیر می کنم.

آیا پلیس امنیت حق همچین برخوردی را با کسی که حقش رو می خواهد دارد؟ آیا واقعا پلیس ما طرف حقه یا طرف آنهایی که می گویند حق با بالا دستی هاست. منظورم اینه که وقتی پلیس جامعه فاسد باشد جامعه دیگه بجز فساد چیزی درش رشد نمی کند.

امضا محفوظ

**\*طرفند کارفرمای کارخانه سیمان کارون برای پرداخت بدهی میلیاردی شرکت با چک کارگر؟**

کارمند شرکت سیمان کارون است، با بیمه‌ی کارگری. می‌گوید به بهانه‌ی همشهری صاحب کارخانه بودن دسته‌چک‌اش را گرفته‌اند و از چک‌های او دو میلیارد و هفتصد میلیون تومان به بیمه چک داده‌اند و پاس هم نکرده‌اند و حالا او به خاطر یک همشهری، میلیاردی بدهکار است. برای دور کردنش از کارخانه علیه او جو راه انداخته‌اند و شایعه کرده‌اند که اختلاس کرده اما او حتی پول ندارد که حالا که دارند خانه‌ی سازمانی را از او می‌گیرند خانه‌ی جدیدی اجاره کند. بیمه هم فشار می‌آورد که چک‌هایش را به اجرا می‌گذارد.

اینها اظهارات یکی از کارمندان شرکت سیمان کارون است، او در مورد اتفاقاتی که حالا او را به یک بدهکار میلیاردی بدل کرده روز 4مهر به خبرنگار رسانه ای گفت:

«من کارمند شرکت سیمان کارون مسجد سلیمان هستم و شانزده سال سابقه‌ی کار دارم، این کارخانه خصوصی است و برای یکی از بدهکاران بزرگ بانکی است، این آقا همشهری من است، سال گذشته شرکت ماجرای در مورد معوقات پرداختی داشت که به یک سری اعتراضات منجر شد، بیمه‌ی کارگرها نه ماه عقب افتاده بود و حساب‌های شرکت به خاطر تخلفات مالی بسته بود، رییس اداره‌ی مالی وقت شرکت، با من صحبت کردند و از من خواستند به خاطر بسته بودن حساب شرکت و اینکه بیمه چک‌های شرکت را قبول نمی‌کند از چک من برای پرداخت حق بیمه استفاده شود.

گفتند تو همشهری صاحب کارخانه هستی و از خودمانی با این حرف‌ها گولم زدند. از طرف دیگر همکارانم را می‌دیدم که همسر یا فرزندشان مریض بودند و دفترچه بیمه نداشتند، به خاطر اینکه بیمه‌ی آنها راه بیافتد چکم را در اختیار شرکت قرار دادم، از دسته چک من حدود دو میلیارد و هفتصد میلیون تومان پول بیمه را به صورت اقساطی دادند که هنوز هیچکدام را پاس نکردند، سه میلیارد تومان هم چک برای آجر نسوز گرفتند که آن را پاس کردند، الان من یک میلیارد و هفتصد میلیون تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار هستم و مدارک آن هم موجود است. من را به عنوان مدیر پشتیبانی شرکت معرفی کردند و نامه‌ی آیین‌نامه‌ی پناه را که بازداشت اموال منقول و غیرمنقول است را به عنوان تعهد از من گرفتند. البته من از یک ماه قبل از اینکه چک را از من بگیرند مدیر پشتیبانی شده بودم.

دو ماه پیش جوی در شرکت راه انداختند و بدون هیچ سند و مدرکی گفتند که من اختلاس کردم و چهارده میلیارد تومان پول دزدیم که هیچکدام از اینها صحت ندارد. هر وقت می‌خواهند کسی از خودشان دور کنند انگی به او می‌چسبانند و این انگ در بین کارگران می‌پیچد و دیگر اصلاً نمی‌توان وارد کارخانه شد.

از طرف دیگر می‌گویند برو بشین خانه، حقوقت را می‌دهیم، ده پانزده روز است که می‌گویند خانه‌ی سازمانی که در اختیارم است را خالی کنم، از طرف دیگر بیمه به من زنگ زده و می‌گوید که چک‌هایم را به اجرا گذاشتند.

در مورد مدیرعامل قبلی یک سری انگ مالی مطرح کردند، چون من با او کار می‌کردم و مدیر اجرایی و پشتیبانی او بودم؛ به من تهمت می‌زنند که با او همدست هستم. با این تهمت‌ها می‌خواهند کاری کنند که دیگر به کارخانه نروم.»

تصویر چک پرداختی به بیمه:



گزارش حسابرس شرکت مبنی بر استفاده از حساب شخص ثالث:



تاکید بر مطلب خاص

۱۶- خلاصه گردش حساب با شرکت سیمان خوزستان در رابطه با خرید ماشین آلات نتایج حاصل از رسیدگی به حسابها توسط داور مرضی الطرفین و سایر ادعاهای مطروحه توسط طرفین در پاداشتهای توضیحی ۵-۷-۲ و ۳۱-۲ مندرج است. بنا به مندرجات پاداشتهای مذکور انعکاس اثر مالی ناشی از چگونگی حل و فصل نهایی ادعاهای مطروحه توسط طرفین منوط به رسیدگی و صدور رای نهایی توسط مراجع قضایی است. لذا نظر این موسسه در اثر مفاد بند فوق، مشروط نشده است.

سایر بندهای توضیحی

۱۷- بطوریکه در پاداشتهای توضیحی ۳-۲۲ و ۶-۲۲ درج گردیده نرخهای فروش در شرکتهای اصلی و فرعی که بر اساس گنشی بازار سیمان، مصوبات کمیسیون فروش و مصوبات هیات مدیره بوده، در برخی موارد کمتر از نرخهای تعیین شده توسط انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان بوده است.

۱۸- در طی سال ۱۳۹۶ به دلیل مسدود بودن تعدادی از حسابهای بانکی شرکت عملیات دریافت و پرداخت وجوه نقد از طریق انحصاس ثالث و کارکنان صورت گرفته است.

گزارش در مورد سایر الزامات قانونی و مقرراتی

گزارش در مورد سایر وظایف بازرسی قانونی

۱۹- موارد عدم رعایت الزامات قانونی مقرر در اصلاحیه قانون تجارت و مفاد اساسنامه شرکت به شرح زیر است:

۱۹-۱- بخشی از سود سهام مصوب عملکرد سنوات قبل به برخی از سهامداران (شامل اشخاص حقیقی و حقوقی) پرداخت نشده است.

۱۹-۲- مستنداتی در رابطه با رعایت مفاد تبصره ۲ ماده ۲۷ اساسنامه در خصوص تحصیلات مالی یا رشتههای مرتبط یکی از اعضای هیات مدیره ملاحظه نگردید.

۱۹-۳- در صورتجلسه هیات مدیره مورخ ۱۳۹۵/۹/۹ سمت اعضای هیات مدیره تعیین و مدیرعامل شرکت انتخاب گردیده است. صورتجلسه مزبور تا تاریخ مورد گزارش در اداره ثبت شرکتها به ثبت نرسیده است.

۱۹-۴- صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالانه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۸ که طی آن صورتهای مالی به تصویب رسیده و بازرسان و روزنامه کثیرالانتشار تعیین گردیده، در اداره ثبت شرکتها به ثبت نرسیده است. در این خصوص مفاد ماده ۱۰۶ اصلاحیه قانون تجارت رعایت نشده است.

۱۹-۵- در مقاطع اثر تا اسفند ماه ۱۳۹۶ به علت برخی مشکلات از جمله مسدود بودن حساب جاریهای شرکت جمعاً مبلغ ۱,۳۲۱ میلیون ریال به حساب مدیرعامل شرکت واریز گردیده و از این محل مبلغ ۷۰۰ میلیون ریال آن بابت انجام عملیات شرکت استفاده گردیده و مانده بدهی ایشان در تاریخ ترازنامه به مبلغ ۶۲۱ میلیون ریال می باشد. مراتب در اجرای ماده ۱۳۲ اصلاحیه قانون تجارت در این گزارش درج شده است.

۱۹-۶- مفاد مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ اصلاحیه قانون تجارت در رابطه با دریافت سهام وثیقه از مدیران منتخب در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۳ رعایت نشده است.

۱۹-۷- پیگیریهای شرکت جهت انجام تکالیف مقرر در مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۸ صاحبان سهام که منجر به نتیجه نشده با انجام برخی تغییرات در بندهای ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۴ این گزارش درج شده است.

۲۰- نظر مجمع عمومی صاحبان سهام را در هنگام تقسیم سود به موارد مندرج در بندهای (۴)، (۷)، (۹)، (۱۱) و (۱۲) این گزارش جلب می نماید.

**\*اعتراض اهالی روستای بیدانجیر از توابع چرام نسبت به مشکلات آب آشامیدنی، جاده ارتباطی و... با جلوگیری از حضور دانش آموزان سر کلاس درس**

همزمان با بازگشایی مدارس، اهالی روستای بیدانجیر از توابع چرام برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به مشکلات آب آشامیدنی، جاده ارتباطی و... دست به جلوگیری از حضور دانش آموزان سر کلاس درس زدند.

برپایه گزارش رسانه ای شده بتاریخ ۴مهر، ساکنان روستای «بیدانجیر» که با گذشت سالها و روی کار آمدن دولت های مختلف مشکلات آنها به فراموشی سپرده شده و حرکتی از مسؤولان در راستای

رفع مشکلاتشان ندیدند در اقدامی هماهنگ با ممانعت از حضور دانش‌آموزان سر کلاس درس تعطیلی مدارس را بهترین فرصت برای رساندن صدای مظلومیت خود دانستند.

قریب به 600 نفر در این روستا سکونت دارند و با مشکلات آب آشامیدنی، جاده ارتباطی و دیگر خدمات دست و پنجه نرم می‌کنند.

اهالی این منطقه پس از اینکه از وعده‌های بی‌عمل مسئولان در بهسازی 9 کیلومتر جاده ارتباطی و آبرسانی به ستوه آمدند در روزهای نخستین آغاز سال تحصیلی 6 باب مدرسه را تعطیل و مانع حضور 60 دانش‌آموز به کلاس درس شدند تا شاید تهدید ترک تحصیل این تعداد دانش‌آموز عزم مسئولان را در پیگیری مطالبات مردم جزم کند.

و حالا دانش‌آموزانی که باید مانند سایرین روی نیمکت کلاس درس پای درس معلم بنشینند و برای آینده خود تصمیم بگیرند مشق حسرت می‌نویسند و قربانی بی‌مسئولیتی مدیرانی شده‌اند که طی سال‌ها نتوانسته‌اند بار مشکلات روستا را کاهش دهند.

### **\*زنده زنده سوختن کودک 3 ساله یک کارگر فصلی در حادثه آتش سوزی چادرمسکونیشان**

عصر روز چهارشنبه 3مهر، کودک 3ساله یک کارگر فصلی در حادثه آتش سوزی چادرمسکونیشان واقع در جوارزمین کشاورزی واقع در حوالی روستای امزاجرد همدان زنده زنده سوخت.

بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 4مهر، جانشین انتظامی شهرستان همدان از مرگ یک پسر بچه 3 ساله در اثر آتش سوزی در حوالی یکی از روستاهای شهر همدان خبر داد.

سرهنگ احمد انواری در تشریح این خبر گفت: در ساعت 17:20 روز گذشته خبر آتش سوزی 2 چادر اسکان و مرگ یک کودک 3 ساله در حوالی روستای امزاجرد به مرکز فوریت های پلیس اعلام شد.

وی گفت: پس از حضور ماموران و بررسی های مقدماتی مشخص شد، تعدادی کارگر فصلی از اهالی سرپل ذهاب در این منطقه و در کنار زمین های کشاورزی، همراه با خانواده خود در درون چادر زندگی می کنند که یکی از چادرها در اثر شعله آتش پیک نیک دچار آتش سوزی شده و در این بین یک پسر بچه 3 ساله در میان شعله های آتش گرفتار شده و متأسفانه جان خود را از دست داده است.